

مخاصمات مسلحانه در خاورمیانه و نقض حقوق جنگ اسلامی

علی فقیه حبیبی*

چکیده

با توجه به رویکرد تعالی بخش اسلام به بشر، حقوق جنگ جایگاه ویژه‌ای در اسلام دارد، تا جایی که چه در قرآن و چه در سیره نبوی، مفهوم حقوق انسانی در طول جنگ‌ها از برجستگی بالایی برخوردار بوده است. در واقع، هدف اصلی اسلام تعالی انسان است و جنگ به خودی خود هدف نیست و تنها در قالب «جهاد» برای دفاع از مرزهای دین از اهمیت و قداست برخوردار است. از طرف دیگر، گسترش مخاصمات مسلحانه در خاورمیانه اسلامی به خصوص عراق و سوریه، نشان می‌دهد که نه تنها این مخاصمات با ماهیت و هدف «جهاد» در تضاد اساسی است، بلکه حقوق اسلامی جنگ درون این مخاصمات به شکل اساسی نادیده گرفته می‌شود. در این راستا، با توجه به اهمیت موضوع، این پژوهش با یک رویکرد جامع به دنبال بررسی ابعاد مختلف حقوق جنگ در اسلام است. برای بررسی این موضوع، ویژگی‌ها و اهداف جنگ در قالب «جهاد» در اسلام و همچنین حقوق جنگ در اسلام با محوریت غیرنظامیان بررسی خواهد شد. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی، و روش گردآوری داده‌ها منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی است.

کلیدواژه‌ها: حقوق جنگ، اسلام، جهاد، غیرنظامیان، اسرای جنگی.

۱. مقدمه

امروزه نزاع میان گروه‌های اسلامی در خاورمیانه به مهم‌ترین پویش‌های امنیتی غالب تبدیل شده است، که به صورت اساسی در جنگ‌های داخلی سوریه از ۲۰۱۱ تاکنون و

*استادیار دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران جنوب. faghih.habibi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۷/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۱

جنگ داخلی عراق بعد از اشغال عراق توسط آمریکا نمود پیدا کرده است. در فاصله زمانی شش سال جنگ خونین میان گروههای درگیر در سوریه، بیش از ۳۲۱ هزار و ۳۴۵ نفر جان خود را از دست داده اند که دستکم ۹۶ هزار نفر از کشته شدگان غیرنظامی و از این تعداد نیز حدود ۱۷ هزار و ۴۰۰ نفر کودک و بیش از ۱۱ هزار نفر زن هستند. در همین حال، کمیساریای عالی آوارگان سازمان ملل آمارهای بسیار تکان دهنده ای درباره این کشور جنگ زده منتشر و اعلام کرده است، ۸۵ درصد از مردم این کشور زیر خط فقر زیر زندگی می‌کنند و حدود پنج میلیون نفر از مردم این کشور آواره شده‌اند. یازده میلیون سوری نیز مجبور به ترک منازلشان شده‌اند (Haran, 2016: 4-7) سازمان‌های حقوق بشر انگلیس نیز تلفات غیر نظامیان عراقی را از ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱، بین ۱۰۴ هزار تا ۱۱۳ هزار و ۶۸۰ نفر برآورد کرده‌اند. علاوه بر این، یک میلیون و ۷۵ هزار عراقی به دنبال جنگ و ناامنی به کشورهای همسایه مهاجرت کرده یا به اردوگاه‌های آوارگان سازمان ملل متحد پناه برده‌اند (Cordesman, and Khazai, 2014: 6).

از طرف دیگر، به نظر می‌رسد که حقوق جنگ در اسلام به عنوان دین رسمی کشورها و گروههای درگیر در جنگ، به صورت اساسی با رویه‌های موجود در جنگ‌های داخلی کشورهای اسلامی در تناقض می‌باشد. در واقع، اسلام نه تنها جنگ را به عنوان یک هدف در روابط با سایر گروههای غیر اسلامی در اولویت خویش نمی‌بیند، بلکه اکیدا در مورد منازعات بین گروهی در جوامع اسلامی هشدار داده است. در این راستا، این پژوهش با یک بررسی جامع، ابعاد حقوق جنگ در اسلام مورد بررسی قرار خواهد گرفت. برای بررسی این موضوع، ویژگی‌های جنگ در اسلام، و در ادامه حقوق جنگ در اسلام با تاکید بر حقوق غیر نظامیان و اسرای جنگی مورد بررسی قرار خواهد گرفت

۲. ویژگی‌های جنگ در اسلام

بنا به تعبیر آیات و روایات همواره اسلام از جنگ دوری جسته و دیگران را به صلح دعوت می‌کرده است و تنها در شرایط خاص به جنگ توصیه می‌شد که آن هم دارای شرایط و قواعد ویژه بود که ذیلاً به آنها اشاره می‌نماییم:

۲-۱. در راه خدا بودن

جنگ در مفهوم خاص خود یعنی جهاد و به عنوان یک وظیفه و تکلیف الهی، جایگاهی بلند در فقه اسلام دارد و سهمی قابل توجه از احکام را به خود اختصاص داده است. جهاد، در لغت به معنای توان و سختی و در اصطلاح به معنای «به کار گرفتن نهایت تلاش و توان در مقابله با دشمن» است (اصفهانی، ۱۳۸۳: ۱۰۱). در قرآن کریم، واژه «جهاد» و نیز واژه «قتال»، با قید «فی سبیل الله» مقید و بدین وسیله، از سایر جنگ‌ها متمایز شده است. قید «فی سبیل الله» نشانگر آن است که روح و شالوده جنگ و جهاد در اسلام، در راه خدا بودن آن است. از این رو، جنگی که فاقد این ویژگی باشد، از نظر اسلام فاقد ارزش و اعتبار است. در راه خدا بودن جهاد بدین معناست که جنگ باید برای تحقق اهدافی به کار گرفته شود که خداوند متعال معین فرموده است. همین حقیقت، رمز تقدس و ارزشمندی جهاد و دفاع در اسلام است. در یک جمله می‌توان گفت: «در راه خدا جنگیدن»، اساسی‌ترین ویژگی جنگ در اسلام است که صف «مؤمنان مجاهد» را از صف «طاغوتیان جنگجو» جدا می‌کند (زحیلی، ۱۴۱۲: ۱۵۲). قرآن کریم به صراحت به این مطلب اشاره می‌کند: «الذین آمنوا یقاتلون فی سبیل الله والذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطاغوت» (قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۷۶). کسانی که ایمان دارند، در راه خدا پیکار می‌کنند و آنان که کافرند در راه طاغوت.

۲-۲. عادلانه بودن

جنگ، آن‌گاه که رنگ تجاوز به خود گیرد، پدیده‌ای شر و نامیمون و بزرگ‌ترین بلایی است که جوامع انسانی را تهدید و نابود کرده است. بیش‌تر جنگ‌هایی که تاکنون در جهان رخ داده است، به ویژه دو جنگ جهانی اول و دوم که بیش‌ترین خسارت جانی و مالی را به وجود آورده‌اند، چیزی جز تجاوز و ستمگری نبوده‌اند. در این جنگ‌ها ظهور و تبلور تجاوز در چهره جنگ، بشریت را از جنگ و خونریزی متنفر ساخته است. در این میان، جنگ‌هایی تنها به عنوان عامل دفع تجاوز و مقابله با تجاوزگران به وقوع پیوسته است. از این رو، دارای قداست و ارزش گشته‌اند. همین دو چهره جنگ، بحث جنگ تجاوزگرانه یا ستمگرانه و جنگ عادلانه را مطرح کرده است (شیخ طبرسی، ۱۴۰۸: ۶۶). جنگ عادلانه، جنگی است

که اولاً در مقام دفع تجاوز است و ماهیتی دفاعی دارد و ثانیاً از هر نوع ستمگری، به کارگیری شیوه های غیر انسانی، کشتن غیر نظامیان و شکنجه و آزار اسرای دشمن به دور است. جنگ در اسلام، دارای این دو ویژگی است و به معنای واقعی کلمه، عادلانه است. به سخن دیگر، دو ویژگی دفاعی بودن و انسانی بودن جنگ در اسلام، از آن جنگی عادلانه ساخته است. اینک به جا است که پیش از تبیین این دو ویژگی، به دو آیه از قرآن کریم اشاره کنیم که از آن ها می توان استفاده کرد که اسلام جنگ تجاوزگرانه را مردود می شمارد: «و قاتلوا فی سبیل اللّٰه الذین یقاتلونکم و لا تعتدوا ان اللّٰه لا یحب المعتدین» (قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۱۰۲). و در راه خدا، با کسانی که با شما می جنگند، نبرد کنید و از حد تجاوز نکنید که خدا تجاوزکاران را دوست نمی دارد. در تفسیر این آیه دو احتمال مطرح است: احتمال نخست این که منظور از «الذین یقاتلونکم» دشمنانی اند که جنگ را با مسلمانان آغاز کرده اند. با این احتمال، معنای نهی «و لا تعتدوا» این است: با کسانی که با شما نمی جنگید. احتمال دوم این است که «الذین یقاتلونکم» کسانی اند که در صحنه پیکار با مسلمانان می جنگند. در این احتمال، نهی «و لا تعتدوا» نهی از جنگ با غیر نظامیان است (قرآن کریم، سوره مائده، آیه ۸). هر یک از دو احتمال را که برگزینیم، مفاد کلی آیه این است که مسلمانان نباید به جنگ تجاوزگرانه و ستمکارانه دست یازند، هر چند احتمال نخست با ویژگی دفاعی بودن و احتمال دوم با ویژگی انسانی بودن جنگ در اسلام سازگار است. «یاءایها الذین آمنوا کونوا قوامین للّٰه شهداء بالقسط و لا یجرمنکم شئان قوم علی اءلا تعدلوا اعدلوا هو اءقرب للتعوی...» (شیخ طبرسی، ۱۴۰۸: ۲۵۴).

۲-۳. دفاعی بودن

ادعای دفاعی بودن جنگ در اسلام، در دفاع یا جهاد دفاعی به سهولت قابل هضم و مورد وفاق همگان است. دفاع در مبحث جهاد، دارای دو مفهوم محدود و گسترده است. مفهوم محدود آن، به معنای دفاع در برابر تجاوز نظامی دشمن است. دفاع به این معنا، هم ردیف جهاد ابتدایی است، اما مفهوم گسترده اش، دفاع در برابر هرگونه تجاوز آجز تجاوز نظامی - است که برای دفع آن باید به هجوم نظامی دست زد. آن جا که گفته اند: «جهاد، دارای ماهیتی دفاعی است» یا «جهاد،

در حقیقت دفاع است، "دفاع به این معنا، مورد نظر بوده است. معنا و مفاد دفاعی بودن جهاد ابتدایی این است که روح دفاع در پیکر جنگ و جهاد ابتدایی جاری است. به سخن دیگر، در هر موردی که جهاد ابتدایی توصیه و واجب شده است، بدون تردید حقیقی مورد تجاوز قرار گرفته است و چنین جهادی در حقیقت برای دفاع از آن حق است. البته، نوع و گستره حق یکسان نیست، گاه حق دارای جنبه شخصی و فردی است و گاه دارای جنبه ملی. هر شخص حق دارد از جان و مال خویش و هر ملتی حق دارد از سرزمین و استقلال خود به دفاع برخیزد، اما برخی حقوق به یک شخص و یا یک ملت، از آن جهت که شخص و ملتند، اختصاص ندارد، بلکه به همه انسان ها و ملت ها تعلق دارد. از این حقوق به حقوق انسانی یا انسانیت تعبیر می شود (خلیلیان، ۱۳۸۴: ۶۳).

۲-۴. انسانی بودن

رعایت حقوق انسانی و توجه وافر به مسائل اخلاقی، از دیگر ویژگی های مهم جنگ در اسلام است. در اسلام، میان خشونت پدیده جنگ و لطافت عواطف انسانی و ملایمت اصول اخلاقی، قهر و مهر، و صلابت و ملایمت، چنان ماهرانه الفت برقرار شده است که مایه شگفتی است. این ویژگی در محیط و فضایی ظهور یافت که زشت ترین خصلت ها و ناپسندیده ترین کارها رواج داشت و ابتدایی ترین حقوق انسانی زیر پا گذاشته می شد. رعایت حقوق انسانی در جنگ، مورد توجه کسانی قرار گرفت که پیش از ظهور اسلام، مدام در جنگ و خونریزی و غارت بودند و از انجام هیچ جنایتی پروا نداشتند.

۳. قواعد حقوق جنگ در اسلام

قواعد بشر دوستانه ایی که در اسلام مد نظر قرار گرفته، ابتدا مربوط به تفکیک افراد غیر نظامی از افراد نظامی است و پیرو آن حمایت از افراد خاص همچون زنان، کودکان و افراد سالخورده و سایر افراد خاص دیگر است که طی چند گفتار آتی به تفصیل آن خواهیم پرداخت.

۳-۱. تفکیک بین نظامیان و غیرنظامیان

اولی قاعده رعایت حقوق بشر دوستانه در اسلام تفکیک افراد غیر نظامی از نظامیان است چرا که این افراد هیچ دخالتی در جنگ نداشته و افراد بیگناهی به حساب می آیند که بخاطر سیاست دولتمردان دچار آسیب و گزند شده اند لذا رعایت حقوق این اشخاص بی شک وظیفه همه افراد درگیر جنگ است.

۳-۱-۱. حقوق غیرنظامیان در جنگ از دیدگاه قرآن

حقوق غیر نظامیان از جایگاه ویژه ای در قرآن برخوردار است. در آیه ۱۹۰ سوره مبارکه بقره آمده است که «در راه خدا با کسانی که با شما می جنگند نبرد کنید و از حد تجاوز نکنید که خدا تجاوز کنندگان را دوست نمی دارد.»

قرآن کریم در این آیه دستور مقاتله و مبارزه با کسانی که دست به اسلحه برده و با مسلمانان وارد جنگ شده اند را صادر کرده و به آن ها اجازه داده است که برای خاموش ساختن دشمنان دست به اسلحه ببرند و از هر گونه وسایل دفاعی استفاده کنند. در این آیه به سه نکته اساسی اشاره شده است که منطق اسلام را در مورد جنگ کاملاً روشن می سازد.

۱- با جمله «در راه خدا نبرد کنید» هدف اصلی جنگ های اسلامی را روشن می سازد که جنگ برای به دست آوردن غنایم و تصرف و اشغال سرزمین های دیگران همه از نظر اسلام محکوم است و تنها اسلحه به دست گرفتن و به جهاد پرداختن در صورتی صحیح است که در راه خدا و گسترش قوانین الهی یعنی حق و عدالت و توحید و ریشه کن کردن ظلم و ستم و فساد و انحراف می باشد.

۲- مورد این که با چه کسی باید جنگید جمله «کسانی که با شما می جنگند» صراحت دارد که تا طرف مقابل دست به اسلحه نبرده و به مبارزه پرداخته است، مسلمانان نباید پیشدستی کنند. ضمناً از این آیه استفاده می شود که هرگز غیرنظامیان مخصوصاً زنان، کودکان و پیران زمین گیز نباید مورد حمله واقع شوند زیرا آن ها به مقابله برنخاسته اند و بنابراین مصونیت دارند.

۳- ابعاد جنگ نیز با جمله «از حد تجاوز نکنید» مشخص شده است. زیرا جنگ در اسلام به خاطر خداست و در راه خدا نباید هیچ تعدی و تجاوزی صورت گیرد و لذا اسلام- برخلاف جنگ های عصر ما- رعایت اصول اخلاقی فراوانی در جنگ توصیه

کند. مثلاً افرادی را که سلاح بر زمین گذاشته‌اند و کسانی که توانایی جنگیدن را از دست داده و یا اصولاً قدرت بر جنگیدن ندارند- مانند پیرمردان، زنان و کودکان- نباید مورد تعدی قرار بگیرند.

باغستان ها و درختان را نباید از بین ببرند و از مواد سمی برای زهرآلود کردن آب های آشامیدنی دشمن نباید استفاده کنند(مکارم شیرازی، ۱۳۶۷: ۹-۱۱).

۳-۱-۲. حقوق غیرنظامیان از دیدگاه روایات و سیره ائمه معصومین(ع)

سیره و سنت ائمه معصومین (ع) شامل موارد زیادی از توجه ایشان بر جلوگیری از تعرض به افراد غیر نظامی است. در برخی از غزوات پیامبر (ص) پس از فتح و پیروزی بر مشرکان، مسلمانانی که قصد کشتن بچه‌های مشرکین را داشتند، پیامبر (ص) آنان را از انجام چنین کاری منع کرده، و در جواب یاران شان که می‌گفتند، مگر این‌ها فرزندان مشرکان نیستند. با اشاره به اینکه بهترین‌های آنان (اصحاب) نیز فرزندان مشرکان بوده‌اند، فرمودند هر انسانی بر فطرت پاک انسانی متولد می‌شود و این پدر و مادر او هستند که او را یهودی یا نصرانی می‌کنند(طبرانی، ج ۱، ۱۴۰۴: ۲۸۴). اقدامات رسول خدا (ص) درباره زنانی که اسیر شده و مطابق قوانین جنگ های آن زمان می‌بایست به عنوان کنیز در اختیار نیروهای فاتح قرار گیرند، نیز نشان دهنده توجه ویژه آن حضرت به زنان بوده آن هم در زمانی که هیچ قانونی درباره جنگ ها و حقوق انسان‌ها وجود نداشت(ابن هشام، ج ۳، ۱۹۸۵: ۳۰۷).

امیرالمؤمنین علی (ع) نیز همواره بر رعایت حال زنان و کودکان تأکید داشتند و هنگام اعزام لشگریان خود و در دستوراتش خطاب به آنها می‌فرماید: «با دشمن جنگ را آغاز نکنید تا آن‌ها شروع کنند، زیرا بحمد الله حجت با شماست و آغازگر جنگ نبودنتان، تا آن که دشمن به جنگ روی آورد، حجت دیگر بر حقانیت شما خواهد بود. اگر به اذن خدا شکست خوردند و گریختند، آن کس را که پشت کرده نکشید، و آن را که قدرت دفاع ندارد آسیب نرسانید و مجروحان را به قتل نرسانید. زنان را با آزار دادن تحریک نکنید هر چند آبروی شما را بریزند، یا امیران شما را دشنام دهند و به شما ناسزا بگویند. در روزگاری که زنان مشرک بودند مأمور بودیم دست از آزارشان برداریم، و در جاهلیت اگر مردی با سنگ یا چوب دستی به زنی حمله می‌کرد، او و فرزندان او را سرزنش می‌کردند(دشتی، ۱۳۸۴: ۳۵۳).

یکی دیگر از مواردی که در حفظ حقوق غیر نظامیان باید بدان توجه نمود، لزوم حفظ اموال خصوصی غیر نظامیان و حتی اموال نظامیان است. البته غیر از آنچه در میدان جنگ وجود دارد؛ مانند سلاح. ماده ۵۲ پروتکل یک الحاقی کنوانسیون های ژنو به این نکته اشاره کرده: «اموال غیر نظامیان نباید هدف حمله یا اقدام تلافی جویانه قرار گیرند.» (شفای، ۱۳۷۳: ۵۴) همین عبارت را می توان در دستور العمل های پیامبر (ص) و همچنین علی (ع) مشاهده نمود. امیرالمؤمنین علی (ع) در موارد متعدد به سپاهیان خود دستور می دادند که پس از پیروزی بدون اجازه وارد هیچ خانه ای نشوید و به هیچ یک از اموال آنان جز آنچه در میدان کارزار بوده دست اندازی نکنید (بلاذری، ج ۱، ۱۳۹۴: ۲۴۸).

امروزه محیط زیست و لزوم حفاظت از آن به یکی از مهم ترین دغدغه های بشر تبدیل شده است. البته این امر در زمان وقوع جنگ ها بیش از پیش افزایش می یابد. به همین منظور جامعه جهانی در قوانین ناظر به جنگ و درگیری نیز مواد خاصی را به این امر اختصاص و بر اهمیت آن تأکید کرده است. چنانچه ماده ۵۵ پروتکل اول کنوانسیون ژنو با عنوان «حفاظت از محیط زیست طبیعی» بر لزوم حفاظت از محیط زیست در برابر آسیب های گسترده در جنگ ها اشاره کرده: «این حفاظت شامل ممنوعیت استفاده از روش ها یا وسایل جنگی می شود که منظور از آن وارد آوردن چنین آسیبی به محیط زیست طبیعی بوده، یا احتمال وارد آمدن چنین آسیبی می رود، در نتیجه به سلامتی یا بقای سکنه لطمه بزند.» اگر چه در زمان صدر اسلام، حکومت پیامبر (ص) و بعد از آن سلاح هایی مانند، سلاح های شیمیایی، میکروبی و اتمی که اثر تخریبی فراوانی داشته باشد و اثرات نامطلوبی بر محیط زیست برجای بگذارد؛ مانند وجود نداشت. اما برخی شیوه های جنگی آن زمان می توانست اثرات مخربی بر محیط زیست و ساکنان نواحی جنگ زده داشته باشد. چنانکه در جنگ های کهن می خوانیم که نیروهای درگیر به منظور مقابله با دشمن و جلوگیری از پیشروی او زمین های پشت سر خود را اعم از مزارع و باغ ها و... سوزانده و چشمه های آب را تخریب می کردند. این روش که از آن با عنوان سیاست «زمین سوخته» یاد می شود. شیوه ای معمول بود اما ائمه معصومین (ع) از استفاده ی این روش ها ممنوعیت ایجاد کرده بودند (طبرانی، ج ۱، ۱۴۰۴: ۲۸۴).

چنانچه پیامبر اکرم (ص) هنگام اعزام لشکریان خود، به آنها فرمود: «از قطع و سوزاندن درختان خرما و دیگر درختان میوه دار و نیز از سوزاندن مزارع پرهیزید.» و در روایت دیگر از قطع مطلق درختان نهی کرده اند (حر عاملی، ج ۱۵، ۱۴۱۴: ۶۲). می توان از این

حدیث پیامبر دستورالعمل زیست محیطی به شکل نوین را استخراج نمود؛ زیرا قطع یا سوزاندن درختان و مزارع خسارت‌های جبران ناپذیری را به محیط زیست اعم از زمین، هوا و جانداران آن محیط وارد می‌کند. همچنین زیان دیدن غیر نظامیان ساکن آن نواحی و کمبود منابع غذایی را به دنبال خواهد داشت. در سخنان پیامبر (ص) به مسأله‌ی زیست محیطی حیوانات نیز توجه شده و از کشتن آنها به ویژه حیوانات حلال گوشت نهی شده است مگر آنکه ضرورت ایجاب کند (طوسی، بی تا: ۲۹۲).

۳-۱-۳. حقوق غیر نظامیان از دیدگاه فقه

اگر دشمن زنان و کودکان را سپر قرار دهند و هم چنین کسانی دیگری که ریختن خونشان حرام است مانند دیوانگان را سپر بلا قرار دهند در صورتی که راه دیگری برای دستیابی بر دشمن وجود داشته باشد، از افرادی که سپر قرار داده شده اند دست برداشته می‌شود مگر در حال حمله عمومی و برافروخته شدن تنور جنگ که در این صورت حمله باید صورت گیرد اگر چه مستلزم قتل آن افراد باشد؛ مخصوصاً اگر خودداری از کشتن آن افراد مانع از پیروزی مسلمانان بر مشرکان گردد. هم چنین اگر دشمنان اسیران مسلمان را سپر خود قرار دادند و پشت سر آن‌ها به جنگ پرداختند اگر راه دیگری برای جهاد با دشمنان نباشد کشتن اسیران جایز است (نجفی، ج ۲۱، ۱۳۶۲: ۶۸).

کشتن دیوانگان و کودکان دشمنان اگر چه مردان و جنگیان خود را کمک کنند جز در مواقع اضطرار جایز نیست. این موضوع در دو خبری که از جمیل و ثمالی و دیگران نقل شده دیده می‌شود. علاوه بر این در روایت اهل سنت از انس بن مالک به نقل از پیامبر اکرم (ص) بر جسد کشته شده زنی عبور فرمودند پرسیدند: چه کسی او را کشته است؟ یکی از مسلمانان عرض کرد یا رسول الله من او را کشته ام. پیامبر فرمودند: چرا؟ آن مسلمان جواب داد: آن زن می‌خواست قبضه شمشیرم را از دستم بکشد. همان گونه که جزیه از زنان و کودکان و پیران فرتوت و دیوانگان گرفته نمی‌شود قتل آن‌ها هم جایز نیست (زحیلی، ۱۴۱۲: ۶۹).

منظور از ضرورت در قتل زنان و کودکان و ... این است که کفار آن‌ها را سپر قرار داده باشند و یا این که پیروزی سپاه اسلام بر آن کفار بستگی به قتل این افراد داشته باشد. اگر زنی در صف کفار قرار گیرد و با مسلمانان بجنگد و یا در هنگام محاصره بر حصار

قلعه ظاهر شود و مسلمانان را دشنام دهد و یا بدن و عورت خود را برهنه کند جایز است که به سوی او تیراندازی شود پیامبر اکرم (ص) در غزوه بنی قریظه زنی را که سنگ دستاس بر سر محمود بن مسلمه زده و او را کشته بود کشت. نوجوانان نزدیک بلوغ اگر بجنگند و یا ضرورت ایجاب کند کشته می شوند ولی در صورت عدم مشارکت آن ها در جنگ و عدم ضرورت اضطرار قتل آن ها جایز نیست. هم چنین کشتن پیران فرتوت که نه قدرت جنگیدن دارند و نه از تدبیر آن ها در جنگ استفاده می شود جایز نیست. ولی اگر خودش قدرت جنگیدن ندارد ولی از تدبیر و رأی او در جنگ استفاده می شود قتلش جایز است. هم چنان که «درید بن صمه» با آن که یکصد و پنجاه سال داشت چون به عنوان مشاور جنگی از او استفاده می شد در جنگ حنین به دست مسلمانان کشته شد و پیامبر ناراحت نشد. هم چنین اگر پیرمردی رأی و تدبیر جنگی نداشته باشد ولی بجنگد کشتن او جایز است (جعفری، ۱۳۷۸: ۹۵). اصحاب صومعه و راهبان اگر وارد جنگ شوند و مبارزه نمایند و یا از تدبیر و رأی آن ها استفاده شود قتل آن ها جایز است. کسانی که از جنگ کناره گیری کرده و ارتفاعات پناه برده اند قتلشان جایز نیست. صاحبان حرف و صنعت و بازاریان در صورتی که به جنگ کمک نمی کردند و اسلحه برای آن ها نمی سازند و یا تهیه نمی نمایند قتلشان جایز نیست. هم چنین فرستادگان دشمن نیز کشته نمی شوند.

۴. حقوق اسلامی جنگ و موردهای خاص

با عنایت به آیات قرآن کریم و کلام ائمه معصوم (ع) و آنچه که بطور کلی در خصوص افراد غیر نظامی سخن به میان آمده، حمایت اسلام شامل افراد ذیل خواهد شد:

۴-۱. اطفال تبعه دشمن

کودکان و نوجوانان معمولاً در جنگها و نزاعها بسیار آسیب پذیر بوده و بیشترین صدمات جسمی و روحی متوجه آنان خواهد بود. این مسئله هنگامی که جنگها و نزاعها به شهرها و محلهها کشانده می شود، بیشتر نمایان است. از دیدگاه اسلام، این کودکان هر چند وابسته به دشمن و از اتباع دشمن هستند، ولی دارای مصونیت می باشند. در این مورد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت او دستور صریح مبنی بر نهی صریح از کشتن اطفال دشمن رسیده است:

... لأن رسول الله صلى الله عليه وآله نهى عن قتل النساء و الوالدان فى دار الحرب إلا أن يقاتلن»؛ (حر عاملی، ج ۱۱، ۱۴۰۶: ۴۸-۴۷). همانا رسول خدا صلى الله عليه وآله از قتل زنان و کودکان در دارالحرب نهی کرده است، مگر اینکه این عده مشغول جنگیدن باشند.

با توجه به آنچه گذشت، کودکان از مصونیت کامل بهره‌مند هستند، مگر هنگامی که این کودکان در پیشبرد جنگ مؤثر باشند و همانند اتباع دشمن، مشغول جنگیدن و کارزار نظامی باشند.

۴-۲. حقوق زنان

زنان نیز وضعیتی مشابه کودکان دارند و در جنگ‌ها، بخصوص جنگ شهرها، بیشترین آسیب متوجه آنان است. از این رو، همانند کودکان دارای مصونیت می‌باشند. چنین مسئله‌ای در روایات اسلامی و گفتار فقیهان اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است. استثنایی که در مورد کودکان بیان شد، در اینجا هم قابل طرح و بیان است. به عبارت دیگر، چنانچه، زنان همانند سایر جنگ‌جویان و افراد نظامی در صحنه جنگ و کارزار به فعالیت بپردازند، همانند افراد نظامی بوده و از مصونیت بهره‌ای ندارند. در یک مورد، زن یهودی که اقدام به قتل مرد مسلمانی نموده بوده، در حمله تلافی‌جویانه به امر پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله به قتل رسید، ولی به نظر می‌رسد که دستور پیامبر صلى الله عليه وآله در این مورد به خاطر نقض پیمان از طرف بنی قریظه بوده که موجب شده که آنان از امان و حمایت مسلمانان خارج شوند، و یا در برابر قتلی که زن انجام داده قصاص گردیده است. (هنجی، ۱۳۸۰: ۶۳).

با این حال، در برخی تعالیم اسلامی، مصونیت ویژه‌ای را برای زنان قائل شده‌اند. برخی از فقیهان شیعه در مورد جواز کشتن زنان در جنگ حتی در صورتی که در جبهه شرکت کرده و رزمندگان خود را یاری بدهند و علیه مسلمانان وارد عملیات شوند تردید کرده و بسیاری به صراحت آن را رد کرده‌اند. صاحب جواهر در این‌باره چنین می‌نویسد:

«و لا يجوز قتل المجانين و لا الصبيان و لا النساء منهم و لو عاونهم إلا مع الاضطرار، بلا خلاف اجده فى شىء من ذلك، بل فى المنتهى الاجماع عليه فى النساء والصبيان»؛ (نجفی، ج ۲۱، ۱۳۶۲: ۷۴-۷۳). جایز نیست دیوانگان، کودکان و زنانِ اتباع

دشمن کشته شوند، گرچه این عده، اتباع دشمن را یاری رسانند، مگر در هنگام اضطرار. در این مسئله از هیچ یک از فقیهان، نظر مخالفی دریافت نکردم، بلکه علامه حلّی در کتاب المتّهی در مورد عدم جواز قتل زنان و کودکان اتباع دشمن - حتی اگر در کارزار نظامی هم شرکت داشته باشند - ادعای اجماع کرده است.

صاحب جامع المقاصد، کلامی شبیه علامه حلّی دارد و حتی وی مصونیت را در محدوده گسترده تری مورد توجه قرار داده است. از نظر وی، دیوانگان، کودکان، زنان، پیرمردان و افراد خنثای مشکل حتی اگر در جنگ شرکت داشته باشند، نمی توان آنان را به قتل رساند. وی می گوید:

«لا یجوز قتل المجانین، و لا الصبیان، و لا النساء منهم و ان أعنَّ إلا مع الحاجة و لا الشیخ الفانی و لا الخنثی المشکل و یقتل الراهب و الکبیر ان کان ذا رأی او قتال»؛ جایز نیست دیوانگان، کودکان و زنان اتباع دشمن را به قتل رساند، و اگر چه این عده دشمن را یاری می‌رسانند. همچنین پیرمرد فرتوت و خنثای مشکل - حتی اگر در پیش‌برد جنگ مشارکت داشته باشند - کشته نمی‌شوند. البته روحانی و پیرمردی که دارای اندیشه و رأی جنگی هستند - و از این طریق دیگران را به جنگ ترغیب می‌کنند - و یا آنکه خودشان در جنگ شرکت دارند کشته می‌شوند. دلیل مطلب مزبور برخی روایات اسلامی است؛ از جمله روایتی از امام صادق علیه‌السلام که آن حضرت از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل کرد که فرمود: حتی اگر زنی در جنگ شرکت کند تو از کشتن وی، تا می‌توانی چشم‌پوشی کن (حر عاملی، ج ۱۱، ۱: ۱۴۰۶، ۴۸).

۴-۳. حمایت از افراد سالمند

پیران و افراد سالخورده همانند کودکان و زنان، در کارزارهای نظامی و میادین جنگی، بیشترین آسیب را متحمل می‌شوند. از دیدگاه اسلام و به عنوان آداب جنگیدن، یا همان حقوق بشردوستانه، این عده از مصونیت برخوردار بوده و هنگامی که در جنگ و نزاع مسلحانه نقشی ندارند، نباید آسیبی به آنان برسد. این امر در روایات اسلامی و گفتار فقیهان اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است که در مباحث پیشین گذشت. اما چنانچه در پیشبرد جنگ و کارزار نظامی نقش داشته باشند، خواه به عنوان نیروی رزمنده، یا به عنوان طراح نقشه‌های جنگی و مشاور امور نظامی، در این صورت همانند دیگر اتباع

جنگجوی دشمن بوده و از مصونیت جنگی بهره‌مند نخواهد بود. از این‌رو، صاحب جواهر الکلام می‌نویسد:

«نعم اذا كان ذا رأی و قتال، قُتِل اجماعاً» (نجفی، ج ۲۱، ۱۳۶۲: ۷۵).

۴-۴. حمایت از بیماران، مجروحان و سایر افراد خاص

این عده از افراد در ردیف کسانی هستند که از مصونیت جنگی برخوردار می‌باشند. این حق طبیعی آنان است که از آسیب‌های جنگ و درگیری‌های نظامی به دور باشند و بلکه باید از آنان حمایت‌های ویژه نیز صورت پذیرد. منظور ما از بیماران، مفهوم عام آن است، به گونه‌ای که شامل زخمی‌های دشمن هم می‌شود. زخمی‌های دشمن که به دلیل جراحت، قادر به جنگیدن نیستند، از هرگونه تعرض و آسیب نیروهای نظامی در امان می‌باشند و این مسئله مورد سفارش پیشوایان اسلام بوده است. لکن این مصونیت و حمایت‌های ویژه مشروط بر آن است که این عده در وضعیت جدید در جبهه به نفع دشمن حضور و مشارکت جسمی و فکری نداشته باشند؛ چه اینکه هرگونه مشارکت در کارزار نظامی، آنان را به عنوان یک سرباز دشمن قرار می‌دهد. صاحب جواهر درباره مصونیت زمین‌گیرها و نابینایان چنین می‌گوید:

«و يلحق به المقعد و الاعمی كما صرح به الفاضل، و سمعتُ ما فی خبر حفص، لکن ینبغی تقييد ذلك ایضا بما اذا لم یكونا ذا رأی فی الحرب و لم یقاتلاً و لم تدع الضرورة الی قتلها كما اذا ترسوا بهما و نحوذ لک مما عرفته»؛ (نجفی، ج ۲۱، ۱۳۶۲: ۷۵). از جمله افراد دارای مصونیت، زمین‌گیرها و نابینایان هستند، همان‌گونه که فاضل بدان تصریح داشت و روایت حفص نیز بدان دلالت داشت، لکن سزاوار است این حکم تقييد بخورد به آنجایی که این عده دارای اندیشه جنگی نباشند و در جنگ نیز مشارکت نداشته باشند و نیز ضرورتی برای کشتن آنان وجود نداشته باشد، مثل آنجایی که دشمن از این عده به عنوان سپر جنگی استفاده کرده است.

۴-۵. حمایت از افراد مذهبی

این گروه نیز همانند افراد پیش‌گفته از مصونیت برخوردار هستند. مشروط بر اینکه از جبهه جنگ برکنار باشند و از نظر فکری یا جسمی، در جنگ و کارزار نظامی مشارکت نداشته باشند. از امام صادق علیه‌السلام روایت شده که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله،

هرگاه فرماندهی را به جنگ اعزام می فرمود، به یارانش توصیه‌هایی می فرمود؛ از جمله اینکه: آنان را که به صورت تارک دنیا، زندگی خویش را وقف عبادت نموده‌اند آزار نرسانید.

ابوبکر هنگامی که معاذ را به یمن می فرستاد درباره ۱۰ چیز سفارش کرد و خواست تا آنها را به خاطر بسپارد. از جمله درباره «راهبان» چنین گفت:

تو با گروهی رویارو خواهی شد که می‌پندارند خویش را در صومعه، وقف خداوند کرده‌اند. پس آنان را با کارشان رها کن. سرخسی از فقیهان اهل سنت درباره کلام مزبور چنین می‌گوید:

ابویوسف و محمد با استدلال به سخن مزبور گفته‌اند که راهبان را نباید کشت. از ابوحنیفه نیز چنین روایت شده است. ابویوسف گفته است که از ابوحنیفه در این باره پرسیدم. او کشتن راهبان را جایز دانست. نتیجه آنکه اگر راهبان از کسانی باشند که با مردم سر و کار دارند و آنها را در امر جنگ راهنمایی می‌کنند، کشته می‌شوند، اما اگر درهای صومعه را به روی خویش بسته باشند، رها می‌شوند، و مقصود از سخن ابوبکر همین است؛ زیرا آنچه قتل را مباح می‌کند، ضرری است که از لحاظ جنگ متوجه مسلمانان می‌شود، اما اگر راهبی در راه خویش ببندد، چه مستقیم و چه غیرمستقیم برای مسلمانان زانی ندارد، اما اگر اینان در جنگ، دارای دیدگاه باشند و از این دیدگاه رأی صادر کنند، به طور غیرمستقیم وارد جنگ شده‌اند و قتلشان جایز است (محقق داماد، ۱۳۷۲: ۲۱۶-۲۱۰).

۴-۶. حمایت از نمایندگان و فرستادگان

افرادی که به عنوان سفیر، نماینده و پیام‌آور انجام وظیفه می‌نمایند دارای مصونیت می‌باشند. این امر، پیش از آنکه یک امر شرعی و دینی باشد، یک مسئله عقلی و بدیهی است؛ چه اینکه این افراد به عنوان حاملان پیام‌ها و نامه‌ها هستند و در ایجاد تفاهم، صلح، مبادله اسرا و مباحث دیگر حقوق بشر دوستانه نقش ارزنده‌ای ایفا می‌کنند. منظور از سفیر و پیام‌آور، کسی است که مستقیماً از ناحیه دشمن حامل پیغام و نامه است و دارای تابعیت دشمن می‌باشند، و گرنه کسانی که دارای تابعیت ثالث می‌باشند و به عنوان یکی از طرفین نزاع و درگیری محسوب نمی‌شوند، مصونیت این عده، یک امر بدیهی و روشن است. پس هرگاه سفیر و نماینده دشمن از ناحیه فرمانده نظامی اجازه

ورود پیدا کرد، و یا حتی در شرایط بحرانی این عده بخواهند پیامی را برسانند، باید از آسیب جنگ و تعرض مصون باشند (حسینی، ۱۳۷۲: ۴۴).

از نظر اسلام، مصونیت این افراد به نحو وسیع‌تر و ویژه می‌باشد. به عبارت دیگر، هرگاه این عده، مرتکب خطا و اشتباهی هم شده باشند باید حتی‌الامکان از اشتباه آنان چشم‌پوشی کرد و از آزار و یا مجازات آنان خودداری کرد. در زمان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله دو نفر به عنوان پیک یا نماینده بر آن حضرت وارد شدند. این دو رفتارهای خطاکارانه از خود نشان دادند. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله از خطای آنان چشم‌پوشی کرد و فرمود: اگر بنا بود که من قاتل پیک و فرستاده باشم، شما دو نفر را به قتل می‌رساندم؛ کنایه از اینکه، پیک و سفیر، محترم بوده و نمی‌توان آسیب به آنان رساند. متن حدیث این است:

«لَوْ كُنْتُ قَاتِلًا سِوَالِ لَضَرْبَتُ عُتُقَكُمَا»؛ اگر بنا بود [جایز بود] کشتن سفیر، به تحقیق گردن شما دو نفر را قطع می‌کردم (احمدی، ۱۴۱۱: ۳۸-۳۴)

۴-۷. حقوق اسیران جنگی

یکی دیگر از قواعد اصلی حقوق بشر دوستانه رعایت حقوق اسیران جنگی است که دین مبین اسلام تاکید فراوانی بر آن دارد لذا در این گفتار بر آن شدیم تا تمامی حقوق اسیران را به تفکیک بررسی نماییم.

۴-۷-۱. رفتار خوب و مناسب

از حقوق دیگر اسیران جنگی، رفتار خوب و متناسب با شخصیت آنان است. پیامبر اکرم (ص) در این زمینه فرموده‌اند: «اذا اتاکم کریم قوم فاکرموه و ان خالفکم؛» اگر فردی که دارای شأن و منزلت در قوم خویش است، نزد شما آید او را اکرام کنید، اگرچه دشمن شما باشد». در حدیث دیگری آمده است: «اکرموا کریم کل قوم» یعنی «هر فردی را که دارای منزلت در قوم خویش است، اکرام کنید». واقع‌گرایی اسلام، اجازه نمی‌دهد که تمامی اسرای جنگی را بدون در نظر گرفتن موقعیت و منزلت اجتماعی هر یک به یک چوب برانیم، الا این که در هر حال باید ملاحظات انسان دوستانه در حق هر یک از آنان مرعی گردد. زمانی که دختر المقوقس اسیر شد، مقریزی می‌گوید: از رسول الله نقل است که «دختران سلاطین استحقاق توجهی خاص جدا از دیگران دارند. نسبت

به هر انسانی که روزی والا مقام بوده و در حالیه آن منزلت را از دست داده، رحیم باشید». ابن عساکر از پیامبر خدا، نقل کرده که «اگر شخص والا شأنی در دست شما اسیر شد، با او رفتاری نیکو داشته باشید». اسلام اعمال ملاحظت‌هایی متناسب با موقعیت اسیر را در حقیقت به مثابه رعایت حد اقل ملاحظت انسانی در حق اسیر به حساب می‌آورد (حلبی، ۱۳۶۲: ۵۶).

همانگونه که اشاره شد رعایت احترام و حفظ شئون اسیر جنگی در اسلام بسیار حیاتی است، بنابراین به هیچ روی شکنجه او مجاز نیست. از رسول خدا نقل است که: «ذات باری آنانی را که مردم را در این دنیا شکنجه دهند، عذاب خواهد کرد». انزجار آن حضرت از شکنجه، در مسأله سهیل بن عمرو العامری که خطیبی زبردست بود و هنر و استعداد والای خود را تماماً معطوف حمله به پیامبر و رسالت ایشان نموده بود، به نحو بارزی عیان است، عمر بن الخطاب از رسول خدا خواست به او اجازه فرماید تا دندانهای ثنایای سهیل را در آورد، تا این که دیگر او قادر به خطا به علیه رسول الله نباشد. پیامبر در پاسخ گفت: «من او را از ریخت نخواهم انداخت، زیرا اگر چنان کنم، خداوند حتی مرا که رسول اویم از ریخت خواهد انداخت» (محقق داماد، ۱۳۷۲: ۲۰۶-۲۰۵).

۴-۷-۲. اطعام اسرا

در اسلام، اسیر جنگی دارای حقوق و احکامی است که مسلمانان به هر شکل، موظف به رعایت آن می‌باشند. از جمله این حقوق، احترام به اسیر و رفتار محبت آمیز با او می‌باشد. در اسلام، غذا دادن به اسیر، بر کسی که او را به اسارت می‌گیرد تا آنگاه که وی را به فرمانده سپاه برساند، واجب است و اگر شخص اسیرکننده این کار را نکند، اطعام اسیر بر امام (حاکم) واجب می‌شود. ابن هشام از ابوعزیز بن عمیر که در جنگ بدر به اسارت مسلمانان در آمده بود، نقل می‌کند که چون مسلمانان می‌خواستند نهار یا شام بخورند، ابتدا به من تعارف می‌کردند و به من نان می‌دادند و خود فقط خرما می‌خوردند. سپس اضافه می‌کند: هیچ کس از آنان مقداری نان در اختیارش قرار نگرفت، مگر اینکه نخست به من تعارف کرد. همچنین در حدیثی از امام باقر (ع)، از امام علی (ع) نقل شده است که «اطعام الاسیر والاحسان الیه حق واجب و ان قتلته من الغد»؛ یعنی «اطعام اسیر و نیکی کردن به او حقی است واجب، هر چند که بخواهی او

را در روز بعد به قتل برسانی». در حدیث دیگری از امام صادق (ع) درباره آیه شریفه «و یطعمون الطعام علی حبه مسکینا و یتیمیا و اسیرا» سؤال می‌شود که در جواب می‌فرمایند: «هو الاسیر»؛ منظور از این آیه اسیر است و سپس می‌افزایند: «الاسیر یطعم و ان کان یقدم للقتل و قال: ان علیا(ع) کان یطعم من خلد فی السجن من بیت مال المسلمین». یعنی «اسیر اطعام می‌شود هر چند که محکوم به مرگ باشد و سپس فرمودند: حضرت علی (ع) به زندانیانی که بایست تا آخر عمر در زندان بمانند (حبس ابد برای آنان صادر شده بود)، از بیت‌المال مسلمین (بودجه عمومی دولت اسلامی) به آنان غذا می‌دادند». حضرت علی (ع) در مورد قاتل خود، سفارش نمود: «احبسوا هذا الاسیر و اطعموه و اسقوه و احسنوا اساره»؛ به این اسیر محبت کنید و به او آب و غذا دهید و با او به احسان رفتار کنید (احمدی، ۱۴۱۱: ۲۱۴).

۴-۷-۳. مداوای مجروحان

از حقوق مهم اسیران جنگی در مقررات اسلامی، مداوای مجروحان است؛ زیرا این عمل مقتضای احسان و نیکی است و مسلمانان نیز به آن امر شده‌اند، بویژه اگر اسیر، خود، مسلمان باشد. در میان خوارج، چهل مجروح بودند که حضرت علی (ع) فرمان داد تا آنان را مداوا کنند و پس از معالجه به آنان فرمود، هر جا که می‌خواهید، بروید (احمدی، ۱۴۱۱: ۲۳۴).

۴-۷-۴. عدم تحمیل فشار بر او و تهیه کردن وسائط نقلیه

از دیگر حقوق اسیر جنگی در اسلام، عدم تحمیل فشار بر او و تهیه کردن وسائط نقلیه لازم برای انتقال وی به پشت جبهه می‌باشد و در صورتی که مرکبی برای انتقال او در دسترس نبوده و اسیر نیز از راه رفتن ناتوان باشد، باید او را آزاد کرد؛ زیرا حکم امام در مورد وی معلوم نیست و ممکن است حکم به آزادی او صادر شود. از امام سجاده (ع) نقل است که «اذا اخذت اسیرا فعجز عن المشی و لم یکن معک محمل فارسله و لا تقتله، فانک لاتدری ما حکم الامام فیه» (حر عاملی، ۱۴۰۶: ۷۲)؛ یعنی «اگر دشمنی را اسیر کردی که از راه رفتن عاجز بود و تو نیز مرکبی برای حمل وی نداشتی، وی را آزاد کن و حق کشتن او را نداری، زیرا از حکم امام در مورد او بی‌اطلاعی». این حق در صدر اسلام چندان محترم بود که ولید بن ولید که خود از اسیران جنگی بود

می‌گوید: اصحاب پیامبر(ص) ما را بر دوش خود حمل می‌کردند و راه می‌رفتند(احمدی، ۱۴۱۱: ۲۱۱).

۴-۷-۱. حفظ وحدت خانوادگی اسرا

حسب اصول انسانی، وحدت خانوادگی اسیر جنگی، تا آنجا که امکان داشته باشد، لازم است حفظ گردد. از این رو، فقها بر این نظر اتفاق دارند که جدا ساختن طفلی که هنوز دندانهای جدید در نیاورده از مادرش و یا به عبارتی دیگر به سن هفت سالگی نرسیده، جایز نیست. ولی پاره‌ای از فقها جدا ساختن زوجین را از همدیگر در تقسیم غنایم یا حین فروش آنها، جایز می‌شمارند. همچنین در صورتی که مادر و فرزند هر دو به اسارت سپاه اسلام در آیند، نباید، آنان را از هم جدا کرد. علامه حلی در کتاب تحریر بیان می‌دارد: «و حرم بعض اصحابنا التفرقه»؛ یعنی «برخی از فقهای شیعه، جدایی را(میان مادر و فرزندی که هر دو اسیر شده باشند) حرام کرده‌اند». البته اهل سنت متفق القول هستند که جدایی بین مادر و فرزند حرام است. اسیر جنگی حق دارد، چنانچه مایل باشد با اعضاء خانواده خود مکاتبه نماید. تضمین حق ارتباط از طریق مکاتبه منبث از تضمین امنیت رسولان و سفر است.

۴-۷-۲. آزادی اسیران

آیه‌ای که حکم اسیر را به کامل‌ترین وجه بیان کرده است، آیه چهارم از سوره محمد(ص) است که می‌فرماید: «فاذا لقیتم الذین کفروا فضرِب الرقاب حتی اذا ائختموهم فشدوا الوثاق فاما منّا بعد و اما فداء حتی تضع الحرب اوزارها...»؛ یعنی «هنگامی که با کافران در میدان جنگ روبرو شدید، گردنهایشان را بزنید و همچنان ادامه دهید تا به اندازه کافی دشمن را در هم بکوبید. در این هنگام اسیران را محکم ببندید، سپس یا بر آنها منت گذارید (و آزادشان کنید) یا در برابر آزادی از آنها فدیسه (عوض) بگیرید و این وضع همچنان ادامه یابد تا جنگ بار سنگین خود را بر زمین نهد». بنابراین، براساس نص صریح قرآن، حکم اسیران جنگی فقط آزادی است، یا آزادی یک طرفه (من)، یا به وسیله عوض (سربازان مسلمان اسیر شده در دست دشمن یا مال) است(ابواتله، ۱۳۸۳: ۱۹۸). البته گروهی از فقهای شیعه بین دو حالت اسارت قبل از پایان جنگ و بعد از پایان آن فرق قائل شده و معتقدند که حکم اسیر قبل از پایان

جنگ، یا گردن زدن است و یا قطع دست و پا تا اینکه آنقدر خون از بدن اسیر بیاید تا بمیرد. اینان مستند خود را آیه ۳۳ از سوره مائده ذکر کرده‌اند: «انما جزاء الذین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی الارض فسادا ان یقتلوا او یصلبوا او تقطع ایدیهم و ارجلهم من خلاف او ینفوا من الارض». همچنین به حدیثی ضعیف‌السند استناد می‌نمایند که راوی آن مشهورالفساد است (حر عاملی، ج ۱۵، ۱۴۰۱۶: ۷۲).

۵. نتیجه‌گیری

انسان و ذات بشری از جایگاه ویژه‌ای در اسلام برخوردار است، تا جایی که دین مبین اسلام هدف اصلی و اساسی خویش را بر مبنای تعالی انسان قرار داده است، در این راستا، به نظر می‌رسد که هدف اصلی اسلام از جنگ در قالب «جهاد» گسترش مرزهای اسلام و همچنین به کمال رساندن اسلام است. در این راستا، به نظر می‌رسد که پوشش‌های سیاسی جدید در قالب جنگ‌های فرقه‌ای-داخلی، به صورت اساسی با ماهیت جنگ در اسلام و جهاد در تضاد است. در واقع، اسلام نه تنها جهاد را در راه تعالی بشری می‌بیند، به صورت اساسی در مورد درگیری بین گروه‌های اسلامی هشدار داده است.

از طرف دیگر، به نظر می‌رسد که قواعد جنگ در منازعات داخلی در سوریه و عراق، به صورت اساسی از سوی گروه‌های افراطی بنیادگرا مورد تخطی قرار گرفته است و آمارهای آوارگان و کشته‌شدگان غیر نظامی در این منازعات به صورت آشکاری این استدلال را تایید می‌نماید. در واقع، آنچه که در این مخاصمات از برجستگی برخوردار است، منافع فرقه‌ای بخصوص گروه‌های افراطی و بنیادگرا، و همچنین منافع منطقه‌ای بعضی از دولت‌های حامی گروه‌های بنیادگرا بخصوص دولت‌های سنی عرب بوده است، که به صورت اساسی با ماهیت جهاد از یک طرف، و قواعد حقوق جنگ در اسلام از طرف دیگر در تضاد است.

منابع

قرآن مجید

- ابن هشام، عبدالملک، (۱۹۸۵). *السیره النبویه*، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
ابواتله، خدیجه، (۱۹۸۳). *الاسلام و العلاقات الدولیه فی السلم والحرب*، القاہرہ: دارالمعارف.
احمدی، علی، (۱۴۱۱). *الاسیر فی الاسلام*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

اصفهانى، راغب (۱۳۸۳). ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ القرآن، جلد سوم، ترجمه و تحقیق همراه با تفسیر لغوی و ادبی قرآن از غلامرضا خسروی حسینی، تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء آثار الجعفریه.

بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، (۱۳۹۴). انساب الاشراف، بیروت: مؤسسه الاعلمی المطبوعات. حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۰۶). وسائل الشیعه، مکتبه الاسلامیه، جلد ۱۱، چاپ ششم. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶). وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البیت (ع) لاحیاء التراث. حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴). وسائل الشیعه، جلد ۱۵، چاپ دوم، قم: مؤسسه آل البیت (ع). حسینی، مصطفی، (۱۳۷۲). بردگی در اسلام، تهران: بنیاد دائره المعارف اسلامی. حلبی، ابن الصلاح، (۱۳۶۲). الکافی فی الفقه، اصفهان، مکتبه الامام امیر المؤمنین علی (ع). خلیلیان، سید خلیل، (۱۳۸۲). حقوق بین الملل اسلامی، چاپ دهم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی. دشتی، محمد، (۱۳۸۴). ترجمه نهج البلاغه، قم: انتشارات میراث ماندگار. زحیلی، وهبه، (۱۴۱۲). آثار الحرب فی الفقه الاسلامی، دمشق. شفائی، حسین، (۱۳۷۳). جنگ و جهاد در نهج البلاغه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. شیخ طبرسی (۱۴۰۸). مجمع البیان، چاپ دوم، بیروت: دارالمعرفه. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۳). تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی، جلد سی و ششم. طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، (۱۴۰۴). المعجم الکبیر، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (بی تا). النهایه، قم: انتشارات قدس. محقق داماد، مصطفی، (۱۳۸۰). «تدوین حقوق بشر دوستانه و مفهوم اسلامی آن»، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۸. محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۷۲). «مفهوم اسلامی حقوق بشر دوستانه»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). جهاد، چاپ ششم، انتشارات صدرا. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۶۷). تفسیر نمونه، جلد دوم، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه. نجفی، جواهر الکلام، (۱۳۶۲). جلد ۲۱، تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه. هنجنی، سید علی، (۱۳۸۰). «پیدایش حقوق بشر دوستانه جنگ و جلوه‌هایی از حفظ حیثیت انسانی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۹.

Cordesman, Anthony H. and Khazai, Sam (May 2014). *Iraq in Crisis* Center for Strategic & International Studies.

Haran, VP (March 2016) «Roots of the Syrian Crisis», IPCS SPECIAL REPORT, number, 181.

